



«پس از چهل سال»

انتشارات: واژه پرداز اندیشه
نویسنده: حمید سبحانی صدر
۱۲۸

کتاب «پس از چهل سال» اثر حمید سبحانی صدر، پژوهشی تحلیلی در زمینه صلح امام حسن علیه السلام است که با رویکردی تاریخی – اجتماعی به بررسی شرایط سیاسی سال ۴۱ هجری می پردازد. نویسنده در این اثر با مروری بر چهل سالگی حکومت اسلامی و جانشینان بر حق و ناحق پیامبر صلی الله علیه و آله و واکاوی اوضاع سیاسی و اجتماعی پس از آن، به تبیین زمینه های صلح می پردازد و نقش شخصیت ها و گروه های تأثیرگذار را در این رویداد حساس آشکار می سازد.

کتاب در پنج فصل تنظیم شده که شامل مروری بر بستر تاریخی صدر اسلام، آمادگی امام حسن علیه السلام برای مقابله با سپاه شام، واکنش های مردمی به تصمیم صلح، روند شکل گیری حاکمیت معاویه و آزمون های پس از آن برای پیروان امام است. سبحانی صدر در نگارش خود، ترکیبی از نثر گزارشی و ادبی را به کار گرفته و کوشیده است ضمن تحلیل روانشناسی جامعه کوفه و معرفی چهره های کلیدی، مشکلات اصلی امام حسن علیه السلام را در مدیریت جامعه تبیین کند و از دل این تجربه تاریخی، عبرت هایی برای زمان حاضر به دست دهد. سبک روان و مستند کتاب موجب شده که علاوه بر جنبه پژوهشی، برای مخاطبان عام نیز جذاب باشد و به گفته بسیاری از خوانندگان، دیدی تازه و عمیق نسبت به یکی از مقاطع سرنوشت ساز تاریخ اسلام ارائه کند.

«پس از چهل سال» از آن جهت کتاب خوبی است که در عین سادگی و همه فهمی، نگاهی عمیق به ماجرای صلح امام دوم شیعیان و معاویه انداخته است. پنج فصل کتاب به خوبی مخاطبان را در حال و هوای آن روزها قرار میدهد. همچنین در این کتاب برای مخاطبان مشخص می شود که وضعیت آن روزهای جهان اسلام، به خصوص وضعیت امام حسن علیه السلام به قدری پیچیده و غیر قابل پیش بینی بود که حتی نزدیکترین یاران ایشان هم ممکن بود در مواجهه با آزمونهای پیاپی به خطا بیفتند و از مسیر حق منحرف شوند. پس از چهل سال کتابی است ضروری برای کسانی که می خواهند با وضعیت جامعه اسلامی در دوران خلافت امام حسن علیه السلام و پس از آن آشنا شوند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ | سوره حشر، آیه ۱۸

تقوا، زنده بودن روح مراقبت در انسان مؤمن است

مادّهی «تقوا»، با مادّهی «تقّیه»، با [مادّهی] «وقایه» یکی است؛ مهمی اینها بهمعنای حفظ است. تقوا هم بهمعنای نوعی حفظ کردن خویشتن است.... وقتی خدا میگوید «اتَّقُوا» یعنی خود را حفظ کنید، یا میگوید «اتَّقُوا اللَّهَ» یعنی خود را درمقابل خدا – یعنی درمقابل عذاب خدا، سخط خدا، انتقام خدا، نهی خدا، امر خدا – حفظ کنید، یعنی چه؟ یعنی آن روح مراقبت مؤمن در او باید زنده بشود؛ خاصیت مؤمن، دارا بودن روح مراقبت و توجه است. اگر مؤمن دارای مراقبت نباشد، ممکن نیست که تقوا داشته باشد؛ چون جوهر و مفهوم اصلی تقوا، که همان حفاظت باشد، عبارت است از چه چیزی؟ از دقّت و مراقبت و هوشیاری و برحذر بودن. ۱۳۶۱/۶/۲۶ | بیانات حضرت آیت الله خامنه ای در جلسه تفسیر سوره حشر

خداوند شخصیت پیامبر را برای کار عظیم تاریخی رشد داد

ما مسلمانها برای اینکه راه هدایت را پیدا کنیم، کافی است شخصیت پیغمبر را بشناسیم. عقیده ی ما البته این است که همه ی بشریت از وجود پیغمبر باید استفاده کنند و میکنند، اما اولی به استفاده، ما امت اسلامی هستیم. این موجود عظیم، دارای خُلُق عظیم، این شخصیتی که خدای متعال او را برای بزرگترین رسالت دوران تاریخ بشر تربیت کرد که امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ آدَبَ نَبِيَّهٖ فَاحْسَنَ آدِبِهِ فَلَمَّا اكْمَلَ لَهُ الْآدَابَ قَالَ أَتَى لَعْلَى خَلْقَ عَظِيمٍ ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِ أَمْرَ الدِّينِ وَالْعِبَادِ لِيَسُوْسَ عِبَادَهُ»؛ «خدا ی متعال این شخصیت عظیم را پرورید، تربیت کرد، رشد داد، همه ی لوازم یک کار عظیم تاریخی را در این وجود مطهر و مقدس فراهم کرد، بعد این بار سنگین را بر دوش او گذاشت؛ این بار سنگین رسالت تاریخی را. ۱۳۹۰/۱۱/۲۱ | ۱. کافی، ج ۱، ص ۲۶۶

سید الشهداء علیه السلام با نهضت عظیم عاشورا، اسلام و عدالت را نجات داد



در صدر اسلام پس از رحلت پیمبر ختمی می رفت که با کج رویهای بنی امیه، اسلام در حلقوم ستمکاران فرو رود و عدالت در زیر پای تبهکاران نابود شود که سید الشهداء نهضت عظیم عاشورا را برپا نمود و با فداکاری و خون خود و عزیزان خود، اسلام و عدالت را نجات داد. در عصر ما نهضت ملت بزرگ ایران پرده های تزویر و عوام فریبی شاه را پاره کرد؛ و مفتاح نجات اسلام و عدالت به دست آمد، و نطفه مقاومت ملی منعقد و با تربیت و روشنگری روشنگران، رو به رشد و تکامل نهاد. امام خمینی علیه السلام | ۱۳۵۷/۱۰/۰۶

ما باید از زحمات و مجاهدات بی نظیر پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله سپاسگزار باشیم

این روزها با رحلت پیامبر عظیم الشان اسلام مصادف است. در سالگرد رحلت آن بزرگوار، یکی از وظایف ما این است که در دل و زبان، از زحمات و مجاهدات بی نظیر و خستگی ناپذیر این زنده عالم و آدم، سپاسگزار باشیم. همچنین این ایام با سالگرد شهادت سبط اکبر پیغمبر، حضرت امام حسن مجتبی و همچنین امام هشتم ما، حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام مصادف است. سیره نبی اکرم در دوران ده ساله حاکمیت اسلام در مدینه، یکی از درخشانترین – و گرافه نیست اگر بگوییم درخشانترین – دوره های حکومت در طول تاریخ بشری است. باید این دوره کوتاه و پُرکار و فوق العاده تأثیرگذار در تاریخ بشر را شناخت. البته به همه برادران و خواهران – بخصوص به جوانان – توصیه میکنم که به تاریخ زندگی پیغمبر مراجعه کنند و آن را بخوانند و فراگیرند.

خطبه های نماز جمعه ۱۳۸۰/۰۲/۲۸

فرازی از وصیتنامه شهید محمد زهرابی، شهیدی که پیکر پاکش در روزیارتی مخصوص حضرت امام رضا علیه السلام پیدا شد.

فریاد مظلومان عالم را از جهانخواران بگیرد



۱۳۶۱/۱۱/۱۸

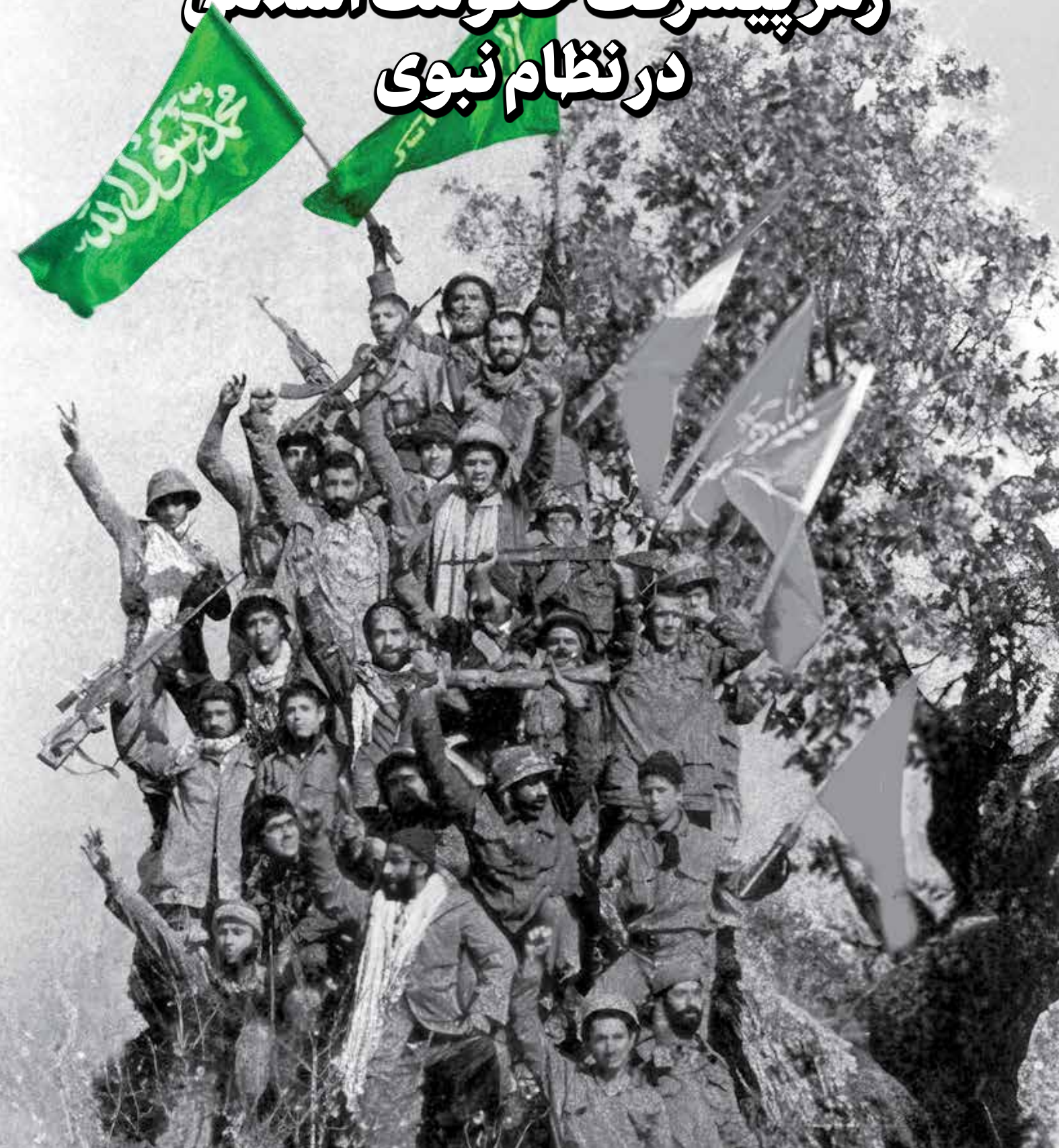
گلزار شهدای شوش
دانیال

از خداوند می خواهم که حجت السلام والمسلمین سید علی خامنه ای رئیس جمهور و تمام علمای اسلام را که مخلصانه در راه اسلام عزیز فداکاری می کنند در پناه خود حفظ نماید و از همه شما می خواهم که در راه اسلام عزیز فداکاری کنید و فریاد مظلومان عالم را از جهانخواران بگیرد. همیشه پوینده و جوینده ی راه پاک انبیاء علیهم السلام که همان خط امام خمینی علیه السلام است باشید.

حکومت اسلامی

هفته نامه خبری – تبیینی جامعه مؤمن و انقلابی | سال دهم، شماره ۵۰۷ | هفته آخر مرداد ماه ۱۴۰۴ | KHAMENEI.IR

اتحاد و ایستادگی رمز پیشرفت حکومت اسلامی در نظام نبوی



سرمقاله

اتحاد و ایستادگی؛ رمز پیشرفت حکومت اسلامی در نظام نبوی

سرمقاله



پدیده‌ی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران، چنان با عظمت است که برای درک حقیقت آن باید با الگوهای بزرگ تبیین شود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تحلیل دو پدیده‌ی تاریخی، یعنی بعثت پیامبر اسلام ﷺ و قیام امام خمینی ^{علیه‌السلام}، هر دو را دارای ماهیت واحد می‌دانند. ایشان می‌فرمایند: «جمهوری اسلامی ادامه‌ی بعثت پیغمبر است.» ۱۴/۱/۱۳۹۸ و «انقلاب ما دنباله و ادامه‌ی همان انقلاب است.» ۱۷/۷/۱۳۶۷ با نگاهی به تاریخ صدر اسلام و تاریخ انقلاب اسلامی، درمی‌یابیم که هر دو نظام اسلامی در عرصه‌های متعدّدی به یکدیگر شباهت دارند. در این یادداشت، به این دو سؤال پاسخ می‌دهیم که هر دو نظام جمهوری اسلامی و حکومت نبوی با چه چالش‌هایی مواجه بوده‌اند و نیز راز موفقیت و پیشرفت این دو چه بوده است.

چالش‌های حکومت نبوی و جمهوری اسلامی

شباهت جمهوری اسلامی به حکومت نبوی به این معنا است که «درسرهای جمهوری اسلامی همان دردسرهایی است که نبی مکرّم اسلام ﷺ در طول حکومت مبارک خود تحمّل کرد.» ۱۶/۷/۱۳۶۹ در ادامه، به برخی از این چالش‌ها اشاره می‌کنیم.

الف) براندازی نظام اسلامی

اوّلین دردسر مشترک، تلاش دشمنان برای ریشه‌کن کردن نظام اسلامی تازه‌متولّدشده است. «پیغمبر نگاه میکند و میبیند پنج دشمن اصلی، این جامعه‌ی [اسلامی] تازه‌متولّدشده [در مدینه] را تهدید میکنند.» ۲۸/۲/۱۳۸۰ علّت دشمنی نیز واضح است. «همه‌ی کسانی که جبهه‌ی متّحّدی را علیه پیغمبر تشکیل دادند، با پیام توحید او، با پیام عدل او و با آموزشهای مکتب او دشمنی میکردند.» ۱/۱/۱۳۸۷

دلیل دشمنی با جمهوری اسلامی نیز همان دلیل دشمنی با حکومت نبوی است. «بعضی‌ها میگویند "آقا، دشمن تراشی نکنید!" نه، ما دشمن تراشی نمیکنیم؛ ما همین حرف پیغمبر و حرف خدا و حرف توحید را بر زبان می‌آوریم و خود همین گفتن، یک عده دشمن به وجود می‌آورد. دشمن به خاطر ایجاد حرکت توحیدی دشمن میشود. رفع دشمنی او هم به این است که شما دست از حرکت بردارید و برگردید به همان چیزی که آنها میخواهند، یعنی عبودیت طاغوت، پیروی طاغوت و مانند اینها؛ آمریکا این توقع را از ما دارد.» ۱۴/۱/۱۳۹۸ لذا «آن که با انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی دشمن است، مثل همان دشمنان صدر اسلام، با بعثت اسلامی و با حرکت توحیدی دشمن است؛ حرف ما این است.» ۱۴/۱/۱۳۹۸

ب) تحریم و فشارهای اقتصادی

مشکلات اقتصادی بعثت نبوی و حکومت ایشان، یکی دیگر از چالش‌های آن دوران بود. در جریان شعب ابی طالب، نبی مکرّم اسلام و اصحاب ایشان «سه سال در یک دژهای در مجاورت مگه، بدون آب، بدون گیاه، در زیر آفتاب سوزان ... زندگی کردند. راه هم بسته بود که برای اینها غذا نیاید. ... چقدر در شعب مُردند، چقدر بیمار

میرپرداختند؛ یعنی از لحاظ مالی، ریش همه در دست یهودی‌ها بود.» ۲۸/۲/۱۳۸۰

ج) تخریب افکار عمومی مردم

یکی از چالش‌های مهمّ حکومت پیامبر با یهودیان، رسانه‌های آن‌ها بود. یهودیان «روی ذهنهای مردم ضعیف‌الایمان اثر زیاد می گذاشتند، توطئه میکردند، مردم را ناامید میکردند و به جان هم می‌انداختند.» ۲۸/۲/۱۳۸۰ در نظام جمهوری اسلامی نیز «امروز بیشترین تحرک دشمنان ما علیه ما، بیش از تحرّکات امنیتی و اقتصادی، تحرّکات تبلیغاتی و جنگ نرم و تبلیغات رسانه‌ای است؛ برای اینکه بر افکار عمومی مردم مسلّط بشوند.» ۱۲/۵/۱۴۰۰ دشمن به شدّت تبلیغات می‌کند تا «رشته‌ی تواصی به حق و صبر را در بین مؤمنان قطع کند. ... این موجب میشود که انسانها احساس تنهایی کنند، احساس نوسمیدی کنند و اراده‌ها ضعیف بشود، امیدها کم‌رنگ بشود.» ۲۱/۱۲/۱۳۹۹ در دوران حکومت نبوی، «یهودی‌ها در مدینه یک طبقه‌ی روشنفکر محسوب میشدند؛ لذا مردم آنجا را تحمیق و تحقیر و مسخره میکردند.» ۲۸/۲/۱۳۸۰ در دوران کنونی نیز «در تبلیغات گسترده‌ی رسانه‌ای دشمنان ما سعی میشود توان داخلی و ملّی کشور تحقیر شود و کوچک شمرده شود؛ متقابلاً توان دشمن بیش از آنچه هست معرّفی شود.» ۳/۵/۱۳۹۱

همچنین «جنگ روانی‌ای علیه جمهوری اسلامی مشاهده مشود که مظهرش هم همین رسانه‌های صهیونیستی‌اند.» ۲۸/۱۰/۱۳۷۵ امروزه «سه تخریب، مورد نظر دشمن است: تخریب وحدت ملّی، تخریب باورهای کارساز و مقاومت بخش، و تخریب روح امید. اسم این تخریبها را هم "اصلاح" می‌گذارند!» ۱۸/۱۰/۱۳۷۷

د) تضعیف مقاومت مردم جامعه

یکی از خطرناک‌ترین چالش‌های حکومت اسلامی نبوی، جریان رسانه‌ای «مرجفون» است. مرجفون از نظر شخصیتی افرادی هستند که «در هنگام سختی‌ها وقتی با دشمن مواجه میشوند، بی‌کاره‌اند، ترسو، کناره‌گرسین و عافیت‌طلبند؛ وقتی که یک ملّت در شداید و سختی‌ها قرار میگیرد، از اینها هیچ اثری نیست! ... اما وقتی که میدان، میدانی است که خطری — علی‌الظاهر — مؤمنان دراز است.» ۲۱/۳/۱۳۷۷ این جریان «وقتی دشمن را می‌بینند، نشان مثل یبید میلرزد؛ بنا میکنند به مؤمنین بالله و زحمت‌کشان در راه خدا، عتاب و خطاب و اذیت کردن و فشار آوردن: "آقا چرا این جور ی میکنید؟ چرا کوتاه نمی‌آیید؟ چرا سیاستان را این جوری نمی‌کنید؟" همان کاری که دشمن میخواهد، انجام میدهند.» ۱۹/۷/۱۳۹۱ آنها «در دل مردم اضطراب ایجاد میکنند، ترس ایجاد میکنند.» ۶/۸/۱۴۰۳ در دوران جمهوری اسلامی نیز جریان مرجفون



سرمقاله

«همان کسانی هستند که امنیت روانی جامعه را به هم میزنند، شایعه‌سازی میکنند؛ بعضی‌ها از روی غرض، از مسائل گوناگون تحلیل‌های غلط ارائه میدهند.» ۶/۸/۱۴۰۳ آن‌ها دائماً با تحلیل‌های خود «مردم را میترسانند: "آقا بترسید؛ مقابله‌ی با آمریکا مگر شوخی است؟ پدرتان را درمی‌آورند! آن جنگ نظامی‌شان، این تحریمشان، این فعالیت‌های تبلیغی و سیاسی شان. ... مرجفون همینها هستند.» ۱۹/۷/۱۳۹۱

راز پیشرفت حکومت نبوی و جمهوری اسلامی

حکومت نبوی و جمهوری اسلامی، با وجود چالش‌های متعدّد در دوران حکومت داری، با قدرت بر تمامی آن‌ها غلبه کردند، رشد کردند و به پیشرفت رسیدند. «همیشه ... وقتی مسئله‌ی مبعث و خاطره‌ی بزرگ بعثت مطرح میشده است، هم ملّت ما حرکت و بعثت عمومی و برانگیختگی ملّی تاریخی خود را درانقلاب، ادامه‌ی



روایت

■ مقاومت امام حسن ^{علیه‌السلام} یکی از شجاعانه‌ترین اقدامات بود

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: امام حسن اول که به حکومت رسید لشکرکشی امیرالمؤمنین را تعقیب کرد... امام حسن لشکرکشی را شروع کرد، قدرتمندانه، اما ... رقیب امام حسن ... یعنی معاویه بن ابی سفیان توفیق پیدا کرد عناصر فرصت‌طلب، عناصر دودل، عناصر ضعیف ... را یا به طرف خود جذب کند و جلب کند، یا اقلاً از دور و بر امام حسن آنها را کنار کند... کار بعدی این بود که با همان لشکر جرّاری که در اختیار داشت بر امام حسن تنها... بنّازد، حسن بن علی را به شهادت برساند...

امام حسن این جا هم با یقین آگاهانه تکلیف خودش را تشخیص داد، تکلیف او چه بود؟ ماندن؛ زنده ماندن برای افشای چهره‌ای که با اسلام سینه به سینه شده بود... امام حسن زنده ماند تا حسین بن علی بماند، تا حجرین عدی بماند، تا رشید حجری بماند... لذا امام حسن علی‌الظاهر صلح کرد که این در ظاهر ترک مخاصمه بود. یعنی جنگ نظامی را امام حسن ... متوقف کرد تا جنگ سیاسی، جنگ فرهنگی، جنگ تبلیغاتی و جنگ اسلامی خود را با او شروع بکند.

نتیجه این شد، که بعد از آنی که امام حسن از دنیا رفت و امام حسین ^{علیه‌السلام} هم ده سال دیگر همان راه امام حسن را ادامه داد، وضعیت دنیای اسلام به آن جایی رسید که دیگر می‌توانست فرزند پیغمبر آن چنان شهادتی را بپذیرد که تا آخر تاریخ دنیا آن شهادت بماند... کار امام حسن با کار امیرالمؤمنین، با کار امام حسین، با کار همه‌ی ائمه دارای یک مضمون و یک معنا است. آگاهانه مقاومت کردن، تکلیف را فهمیدن و ایستادن... امام حسن یکی از شجاعانه‌ترین اقدامها را برای انجام این تکلیف انجام داد. ۱۷/۳/۱۳۶۴



آن بعثت عظیم نبوی دانسته، هم این سؤال لااقل در ذهنهای افرادی از مردم — از خواص و اهل نظر— پیش آمده است که راز پیشرفت اسلام در آن روزگار غربت معرفت و عمومیت جهل که همه‌ی دنیا را پُر کرده بود، چه بود.» ۱۵/۸/۱۳۷۸ اوّلین راز پیشرفت حکومت اسلامی این است که «حکومت پیغمبران، حکومتی مردمی بود؛ برای مردم و در خدمت منافع آنان بود و مردم به پیامبران عشق می‌ورزیدند. وقتی پیغمبر ما حکومت تشکیل داد، مردم به او عشق می‌ورزیدند. ... چنین حکومتی، با چنان پایه و قاعده‌ی مردمی است که میتواند اصلاحات کند.» ۱۵/۱/۱۳۷۱ در مقابل نیز پیامبر به مردم عشق و علاقه داشت. راز دیگر پیشرفت حکومت اسلامی اتحاد است. «در نظام نبوی، درگیری‌های برخاسته از انگیزه‌های خرافی، شخصی، سودطلبی و منفعت‌طلبی میغوض است و با آن مبارزه میشود. فضا، فضای صمیمیت و

اخوّت و برادری و همدلی است.» ۲۸/۲/۱۳۸۰ واقع، «در نظام اسلامی، حکومت با محبّت است، با ایمان است، با وحدت است، با همدلی است؛ با هم بودن مردم و حکومت، با هم بودن اجزای حکومت، با هم بودن اجزای مردم ... نشان میدهد که این عوامل موفقیت و پیشرفت حکومت نبوی این بود که «پیغمبر ایستاد؛ نفرمود این یک واقعیت است، با این واقعیت چه میشود کرد. بعضی کسان ضعفها و بی‌هقتی‌های خود را این طور توجیه میکنند: "واقعیتی است، چه کار کنیم؟" واقعیتی که باید در مقابل آن تسلیم شد، این نیست. ... واقعتهایی را که عده‌ای با تکیه به سرنیزه و زور علیه عده‌ای دیگر به وجود آورده‌اند، باید به هم زد.» ۱۳/۷/۱۳۸۱ و اساساً «(ایستادگی، ایستادگی می‌آفریند.» ۹/۵/۱۳۸۷ ■ **پایان سرمقاله**

■ حضرت رضا ^{علیه‌السلام} بایک حرکت عظیم مأمون را منکوب کرد

هنگامی که در مرو پیشنهاد ولایت عهده‌ی آن حضرت مطرح شد، حضرت به شدت استنکاف کردند و تا وقتی مأمون صریحاً آن حضرت را تهدید به قتل نکرد آن را نپذیرفتند... با این همه علی بن موسی‌الرضا فقط بدین شرط ولیعهدی را پذیرفت که در هیچ یک از شئون حکومت دخالت نکند و به جنگ و صلح و عزل و نصب و تدبیر امور نپردازد و مأمون که فکر می‌کرد فعلاً در شروع کار این شرط قابل تحمل است و بعدها به تدریج می‌توان امام را به صحنه فعالیت‌های خلافتی کشانید، این شرط را از آن حضرت قبول کرد... امام با قبول ولیعهدی، دست به حرکتی می‌زند که در تاریخ زندگی ائمه پس از پایان خلافت اهل بیت در سال چهارم هجری تا آن روز و تا آخر دوران خلافت بی‌نظیر بوده است و آن برلمار کردن داعیه‌ی امامت شیعی در سطح عظیم اسلام و دریدن پرده غلیظ تقیه و رساندن پیام تشیع به گوش همه مسلمانهاست. تربیون عظیم خلافت در اختیار امام قرار گرفت و امام در آن سخنانی را که در طول یکصد و پنجاه سال جز در خفا و با تقیه و به خصیصین و یاران نزدیک گفته نشده بود به صدای بلند فریاد کرد. ۱۸/۵/۱۳۶۳ بعد از این نوزده سال یا بیست سال که پایان دوران امامت و شهادت علی بن موسی‌الرضا است، وقتی شما نگاه میکنید، می‌بینید که همان تفکر ولایت اهل بیت و پیوستگی به خاندان پیغمبر آن چنان گسترشی در دنیای اسلام پیدا کرده که دستگاه ظالم و دیکتاتور بنی عبّاس از مواجهه‌ی با آن عاجز است؛ این را علی بن موسی‌الرضا انجام داد. ۲۶/۶/۱۳۹۲

